

نقش عامل انرژی در روابط ایران و ترکمنستان

دکتر فرهاد عطایی^۱ - حمیدرضا عزیزی^۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۱/۱۷

تاریخ تصویب: ۸۹/۳/۲۰

چکیده:

فروپاشی شوروی باعث ایجاد تحول عظیمی در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز شد. از همان زمان وجود ذخایر طبیعی در تعدادی از این کشورها به عنوان عاملی مهم در پیشرفت اقتصادی مورد توجه قرار گرفت. وجود این ظرفیت از سویی سبب جلب توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به این کشورها شد. از سوی دیگر محصور بودن این کشورها در خشکی و انحصار روسیه بر خطوط انتقال انرژی، موجب شد که این کشورها نیز برای کاهش وابستگی، در پی شرکای جدید برآیند؛ در این مقاله ترکمنستان به عنوان کشوری از مجموعه‌ی سابق شوروی و ایران به عنوان بازیگر منطقه‌ای و ذینفع در کنش‌های انرژی منطقه، مورد توجه قرار گرفته و نقش عامل انرژی در روابط دو کشور بررسی می‌شود. سؤال

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (Atai53@gmail.com)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران (Azizi.hamidreza@gmail.com)

این است که عامل انرژی چه نقشی در روابط ایران و ترکمنستان، پس از فروپاشی شوروی داشته است؟ فرضیه‌ی مقاله این است که عامل انرژی باعث همکاری دو کشور و نزدیکی آنها به یکدیگر شده است. در این پژوهش، منابع انرژی دو کشور و جایگاه جهانی و منطقه‌ای آنها و سپس پروژه‌های مشترک و سرمایه‌گذاری‌های دو کشور در زمینه‌ی بهره‌برداری یا انتقال انرژی معرفی و مورد بررسی قرار می‌گیرد. در انجام این پژوهش از اخبار خبرگزاری‌ها، آمارهای رسمی و همچنین کتاب‌ها و مقالات تحلیلی استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: ایران، ترکمنستان، روابط دو جانبه، انرژی، انتقال انرژی.

مقدمه

فروپاشی شوروی باعث ایجاد فرصت‌ها و تهدیدهای متنوعی برای کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز شد. بدون شک مهمترین فرصت در این رابطه، دستیابی به استقلال سیاسی و فراهم شدن امکان استفاده از امکانات ملی برای توسعه‌ی کشور بود. اما به زودی مشخص شد که دستیابی صرف به استقلال سیاسی، به معنی حل همه‌ی مشکلات نیست و این کشورها هنوز با مسائل فراوانی دست به گریبان هستند (کولایی، ۱۳۸۴: ۱۲).

از همان زمان، وجود ذخایر طبیعی در تعدادی از این کشورها، به عنوان عاملی مهم در پیشرفت اقتصادی و هموار کردن مسیر استقلال واقعی مورد توجه قرار گرفت. اما در این رابطه نیز مشکل مهمی وجود داشت و آن محصور بودن این کشورها در خشکی و انحصار روسیه بر خطوط انتقال انرژی بود. این امر باعث شد، این کشورها برای کاهش وابستگی، در پی شرکای جدید برآیند. در این مقاله، ترکمنستان به عنوان کشوری از مجموعه‌ی سابق شوروی که دارای منابع قابل توجه انرژی (به ویژه گاز طبیعی) است و ایران به عنوان بازیگر منطقه‌ای و ذینفع در کنش‌های انرژی منطقه مورد توجه قرار می‌گیرد و نقش عامل انرژی در روابط دو کشور بررسی می‌شود. در واقع در پی پاسخگویی به این سؤال هستیم که عامل

انرژی چه نقشی در روابط ایران و ترکمنستان داشته است؟

در این راستا تأثیر عامل انرژی به عنوان متغیر مستقل بر روابط دوجانبه‌ی ایران و ترکمنستان به عنوان متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. شاخص‌های اصلی مورد بررسی در رابطه با متغیر مستقل، میزان سرمایه‌گذاری‌های هر یک از دو کشور در کشور دیگر، پروژه‌های مشترک در بخش انرژی و نیز خطوط لوله‌ی احداث شده است. بدیهی است که میزان افزایش یا کاهش همکاری‌ها در زمینه‌های فوق نیز به عنوان شاخصی در ارزیابی روابط دوجانبه‌ی ایران و ترکمنستان مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرضیه اصلی این مقاله این است که عامل انرژی باعث همکاری دو کشور و نزدیکی آنها به یکدیگر شده است. بدون شک در روابط دوجانبه کشورها با یکدیگر، عوامل متعددی تأثیرگذار هستند که رابطه‌ی ایران و ترکمنستان نیز از این قاعده مستثنا نیست، اما با توجه به مطالب گفته شده در بالا و همچنین آمارهایی که در مورد اهمیت بخش انرژی در این دو کشور ارائه خواهد شد، تمرکز ما در این مقاله بر نقش عامل انرژی در روابط دو کشور خواهد بود. به علاوه، با توجه به اینکه در ادبیات موجود، واژه‌ی «انرژی» عموماً به نفت و گاز اشاره دارد، در این پژوهش نیز تنها این دو بخش مورد توجه قرار گرفته و ارزیابی می‌شوند.

نگاهی به پیشینه‌ی روابط ایران و ترکمنستان

سابقه‌ی روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان به اوایل پیروزی انقلاب اسلامی باز می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا برقراری روابط با جمهوری‌های مسلمان اتحاد شوروی را از جمله اهداف سیاست خارجی خود قرار داده بود. در اواخر حکومت گورباچف با باز شدن جو سیاسی در این کشور و مطرح شدن داعیه‌ی استقلال از سوی جمهوری‌ها، فرصت ایجاد ارتباط با آنها به وجود آمد. دکتر علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه وقت، در اواخر سال ۱۹۹۱ یک سفر دوره‌ای به کلیه‌ی جمهوری‌های مسلمان نشین

از جمله ترکمنستان داشت. در آن زمان امکان ایجاد رابطه‌ی مستقیم با این جمهوری‌ها وجود نداشت و ایران ناگزیر از کانال مسکو با آنها ایجاد ارتباط می‌کرد. با فروپاشی شوروی و اعلام استقلال ترکمنستان در ۲۷ اکتبر ۱۹۹۱، جمهوری اسلامی ایران اولین کشوری بود که ترکمنستان را به رسمیت شناخت و چند ماه بعد اقدام به تأسیس سفارتخانه در پایتخت این کشور نمود (کتاب سبز ترکمنستان، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱).

ترکمنستان جزو اولین کشورهای تازه استقلال‌یافته بود که ایران در آن اقدام به تأسیس سفارتخانه نمود. به طور کلی رابطه با ترکمنستان از جهات چندی برای ایران حائز اهمیت بوده و هست؛ از جمله مهمترین این دلایل می‌توان به این نکته اشاره کرد که ترکمنستان تنها جمهوری مسلمان‌نشین آسیای مرکزی است که در آب و خشکی با ایران هم‌مرز است. به علاوه، وجود مرزهای طولانی و مشترک بین دو کشور، ظرفیت‌های اقتصادی ترکمنستان به ویژه در بخش نفت و گاز، نقش این کشور به عنوان دروازه‌ی ورود ایران به آسیای مرکزی، عضویت ترکمنستان در اگو و نقش کلیدی این کشور در اجرای طرح‌های اگو به ویژه در زمینه‌ی حمل و نقل و نهایتاً اهمیت این کشور به عنوان یکی از کشورهای ساحلی دریای خزر، از دیگر عواملی است که موجب توجه ویژه‌ی ایران به این کشور شده است (دامن پاک جامی، ۱۳۸۸: ۲۷۴).

برای ترکمنستان نیز روابط با ایران اهمیت خاصی دارد. یکی از دلایل این امر، نقش ایران در حفظ صلح و امنیت منطقه است. همچنین ایران می‌تواند به عنوان مسیر اصلی دستیابی ترکمنستان به آب‌های آزاد مورد توجه قرار گیرد. وجود یک اقلیت ترکمن در ایران، از جنبه‌ی فرهنگی توجیه‌کننده‌ی این اهمیت است. در بعد اقتصادی نیز، علاقه‌مندی ایران به خرید گاز از ترکمنستان و مسیر ترانزیت برای انتقال گاز این کشور به اروپا، مورد توجه دولتمردان ترکمن قرار دارد. نهایتاً، ایران یک شریک تجاری قابل اتکا و تأمین‌کننده‌ی نیازهای اساسی ترکمنستان است (همان، ص ۲۷۵).

به طور کلی، همان طور که اشاره شد، عوامل متعددی در روابط دو کشور ایران و

ترکمنستان تأثیرگذار هستند. از جمله می‌توان به پیوندهای فرهنگی و اجتماعی بین دو کشور اشاره کرد. مردم دو کشور بیش از هزار سال سابقه‌ی تاریخی مشترک دارند و زمانی همگی در قلمرو سرزمینی حکومت‌های ایرانی به سر می‌بردند. همچنین در زمینه‌ی ارتباطات اجتماعی، هم‌اکنون تبادلات علمی و دانشجویی بین دانشگاه‌های دو کشور جریان دارد و با توجه به همسایگی دو کشور، مسافرت اتباع دو کشور به یکدیگر نیز زیاد است (بوالوردی، ۱۳۸۵: ۹۶).

عامل حمل و نقل و ارتباطات هم در روابط دو کشور تأثیرگذار است. عدم دسترسی ترکمنستان به آب‌های آزاد، باعث شده تا مسیر ارتباطی ایران برای ترکمنستان حائز اهمیت شود. افتتاح خط آهن مشهد- سرخس- تجن و خط آهن بافق- بندرعباس اقدامات مهمی در جهت توسعه‌ی ارتباطات و تجارت بین ایران و کشورهای آسیای مرکزی، به ویژه ترکمنستان بوده است. به علاوه، وجود چند بازارچه‌ی مرزی در مرز دو کشور، ارتباطات تجاری بین دو کشور را تسهیل می‌کند. علاوه بر این موارد، دو کشور در زمینه‌ی پروژه‌های فنی و مهندسی نیز با هم همکاری دارند و ایران سرمایه‌گذاری‌های متعددی را در بخش‌های فنی و مهندسی ترکمنستان انجام داده است. عضویت دو کشور در سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) نیز عامل دیگری است که می‌تواند در روابط دو کشور تأثیرگذار باشد. در مجموع، وجود ظرفیت‌های گوناگون بین دو کشور باعث شده که تاکنون حجم سرمایه‌گذاری‌های ایران در ترکمنستان به بیش از ۱/۵ میلیارد دلار برسد که بیشترین سرمایه‌گذاری ایران در آسیای مرکزی است. مبادلات تجاری میان ایران و ترکمنستان در سال ۲۰۰۸ بیش از ۲/۹ میلیارد دلار بوده که نسبت به سال قبل از آن بالغ بر ۵۳ درصد رشد داشته است (علی‌پور ناندل، ۱۳۸۸: ۹۳).

ایران بعد از روسیه دومین شریک تجاری ترکمنستان محسوب می‌شود. ایران و ترکمنستان همکاری‌های اقتصادی خود را در چارچوب کمیسیون مشترک اقتصادی دنبال می‌کنند و وزارت امور خارجه ایران مسئولیت طرف ایرانی این کمیسیون را به عهده دارد (همان). از مجموع سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط ایران در ترکمنستان، بیش از ۵۰۰ میلیون دلار آن در بخش

انرژی بوده است که در واقع بیش از یک سوم این سرمایه‌گذاری‌ها را تشکیل می‌دهد. البته این رقم جدا از پروژه‌هایی است که به صورت مشترک توسط دو کشور و یا با همکاری شرکت‌های خارجی انجام شده و می‌شود (دامن پاک جامی، ۱۳۸۸: ۲۷۶).

توجه به این موارد، اهمیت بیشتر بخش انرژی را در روابط دو کشور مشخص می‌کند. در بخش‌های بعدی، به ظرفیت‌های دو کشور در زمینه انرژی و نیز اقدامات و پروژه‌های مشترک، اشاره‌ی دقیق‌تری می‌کنیم.

منابع انرژی ایران و ترکمنستان و اهمیت آن

الف- ایران

در بخش نفت، ایران با در اختیار داشتن ذخایری در حدود ۱۳۷ میلیارد بشکه، مقام سوم جهان را در اختیار دارد. همچنین در زمینه تولید و صادرات نفت، به ترتیب با ۴ میلیون و ۳۳ هزار بشکه و ۲ میلیون و ۳۴۱ هزار بشکه در روز، مقام چهارم جهان را در اختیار داشته است (در سال ۲۰۰۷). ایران ۴۰ میدان نفتی در اختیار دارد که از این میان ۲۷ میدان در خشکی و ۱۳ میدان دریایی هستند. اغلب این میدان‌ها در جنوب غربی کشور و در استان خوزستان واقعند (EIA, 2010:2).

در زمینه گاز طبیعی نیز، ایران با داشتن ذخایری به میزان ۲۶/۸ تریلیون مترمکعب، پس از روسیه مقام دوم جهان را داراست. در ایران سالانه در حدود ۱۱۱/۹ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی تولید می‌شود، اما به دلیل بالا بودن مصرف داخلی (۱۱۱/۷ میلیارد مترمکعب)، تنها ۰/۲ میلیارد مترمکعب گاز صادر می‌شود (EIA, 1/4/2010).

مشکلی که در زمینه گاز در ایران وجود دارد، این است که بیش از دو سوم منابع گاز، در میدان‌های جدا از هم و ناپیوسته قرار دارد و به همین دلیل توسعه نیافته است. در ۲۰ سال گذشته مصرف داخلی به موازات تولید افزایش یافته و امکان چندانی برای صادرات

باقی نگذاشته است. به علاوه، گاز طبیعی، اغلب برای تزریق مجدد در میدان‌های نفتی مورد استفاده قرار می‌گیرد (EIA, 2010:8).

عوامل فوق، به اضافه‌ی این نکته که اغلب میادین گازی فعال، در جنوب کشور واقع هستند، ضرورت اندیشیدن تمهیداتی برای گازرسانی به مناطق شمالی را آشکار ساخته است. برای حل این مشکل، واردات گاز از همسایگان شمالی، به صرفه تر از احداث خط لوله‌ای از جنوب به شمال تشخیص داده شد. در همین راستا توافقاتی با ترکمنستان برای انتقال گاز حاصل شد که به آنها اشاره خواهد شد.

ب- ترکمنستان

مهمترین منابع نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز در پنج نقطه‌ی مهم قرار دارد: شمال دریای خزر، جنوب دریای خزر، شمال اوست یورت و منقشلاق و حوزه‌ی آمودریا. ترکمنستان در بخش جنوبی خزر قرار دارد و بخش‌هایی از آمودریا را نیز در خود دارد (فیاضی، ۱۴۲۱۳۸۶). میزان ذخایر گاز این کشور در سال ۲۰۰۷، ۲/۸۳ تریلیون متر مکعب برآورد شده بود که در دنیا مقام چهاردهم و پس از روسیه، مقام دوم را در میان کشورهای مشترک‌المنافع دارا بود. در همین سال، تولید گاز این کشور ۶۸/۸۶ میلیارد متر مکعب بوده که ۱۹/۴۸ آن به مصرف داخلی رسیده و ۴۹/۴۱ میلیارد متر مکعب صادر شده است. ترکمنستان در زمینه‌ی صادرات گاز رتبه‌ی ششم جهان را در اختیار داشته است (EIA, 1/4/2010).

البته کشف یک میدان جدید گازی در ترکمنستان در سال ۲۰۰۸، به نام «یولوتان جنوبی- عثمان»، اهمیت گاز ترکمنستان را از قبل نیز بیشتر نمود. ارزیابی‌های مستقل بین‌المللی، ذخایر این میدان را ۱۴ تریلیون مترمکعب برآورد کردند که به این ترتیب چهارمین میدان بزرگ گازی دنیاست (RFE-RL, 14/10/2008).

توجه به این ظرفیت بالا، اهمیت این کشور را در معادلات جهانی انرژی برای ما روشن می‌کند. البته باید توجه داشت که ضعف فناوری و محدودیت‌های زیرساختی تاکنون

مانعی بر سر راه تولید و صادرات گاز این کشور بوده است، وگرنه با توجه به ذخایر زیاد، امکان استفاده‌ی بهتر وجود داشت. ترکمنستان دارای ذخایر نفت نیز هست. ذخایر نفت این کشور ۶۰۰ میلیون بشکه برآورد شده است که در رتبه‌ی چهارم جهانی جای می‌گیرد. تولید نفت این کشور در سال ۲۰۰۷، ۱۸۰/۳ هزار بشکه در روز بود که ۹۸ هزار بشکه به مصرف داخلی رسیده و تنها ۸۲/۳ هزار بشکه صادر شده است (EIA, 1/4/2010).

جدا از این که جایگاه جهانی ذخایر نفت ترکمنستان قابل مقایسه با ذخایر گاز آن نیست، میزان تولید نفت هم در حد مطلوب نیست. علت این امر نیز تولید غیرمتعارف و زیاد در گذشته، افت فشار و قدرت تولید، عدم تزریق گاز به میدان‌های نفتی، عدم سرمایه‌گذاری در میدان‌ها، پر بودن ظرفیت پالایشگاه‌ها و عدم صدور آن است (کتاب سبز ترکمنستان، ۱۳۸۶، ص ۶۰).

از سوی دیگر، شرکت‌های بزرگ و متوسط اروپایی چشم‌انداز سرمایه‌گذاری در بخش نفت ترکمنستان را رضایت‌بخش ارزیابی نمی‌کنند. مهم‌ترین مشکل در این رابطه، زیر ساخت توسعه نیافته‌ی نفت و استهلاک بیش از حد تسهیلات در دسترس است. همچنین آذربایجان بر کل مجموعه تأسیسات حفاری بازمانده در خزر، بعد از فروپاشی شوروی و نیز سایر تسهیلات موردنیاز مالکیت دارد و ترکمنستان روابط چندان مساعدی با این کشور ندارد (Laumlin, 2006:21)؛ این امر بیشتر به اختلافات در مورد رژیم حقوقی دریای خزر و مالکیت برخی میدان‌های نفتی مربوط می‌شود (Roberts, 2003:144-145).

به علاوه، کنترل دولتی شدیدی بر این بخش اعمال می‌شود، به طوری که ۹۰/۵ درصد تولید نفت این کشور توسط شرکت نفت دولتی این کشور و ۳ درصد توسط شرکت گاز دولتی انجام می‌شود. به این ترتیب تنها ۶/۵ درصد برای شرکت‌های خارجی باقی می‌ماند (Helsop, 2003:188).

همکاری‌های ایران و ترکمنستان در زمینه‌ی انرژی

ترکمنستان یکی از تولیدکنندگان مهم نفت و گاز در میان کشورهای تازه استقلال یافته‌ی آسیای مرکزی به شمار می‌رود که ظرفیت و منابع عظیم آن به دلیل نبود گزینه‌های صادراتی محدود شده است. ایران به عنوان یکی از همسایگان ترکمنستان، به دلایل جغرافیایی و اقتصادی می‌تواند سهم مهمی در روند توسعه‌ی همکاری‌های دوجانبه داشته باشد که به این شرح است:

- ۱- توان بالا در خدمات مهندسی نفت و گاز
 - ۲- همجواری با کشورهای مصرف‌کننده‌ی گاز
 - ۳- دارا بودن توان مصرف انرژی در مناطق مختلف کشور
 - ۴- امکان معاوضه‌ی گاز
 - ۵- دسترسی به آب‌های آزاد و سهولت رساندن نفت و گاز به بازارهای بین‌المللی
 - ۶- دارا بودن دانش فنی و نیز داشتن نیروی متخصص در این زمینه
 - ۷- تمایل ترکمنستان به کاهش وابستگی به سیستم انحصاری گاز روسیه (بوالوردی، ۹۸۱۳۸۵).
- علاوه بر موارد ذکر شده، توجه به اصول دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران نیز اهمیت همکاری در زمینه‌ی انرژی با ترکمنستان را آشکار می‌کند.
- محورهای اصلی دیپلماسی انرژی ایران عبارت است از:
- ۱- تبدیل شدن به مسیر ترانزیت اصلی منابع نفت و گاز حوزه‌ی خزر از طریق احداث خطوط لوله برای انتقال مستقیم این منابع یا طرح معاوضه.
 - ۲- تبدیل شدن به مرکز تولید و توزیع منطقه‌ای منابع انرژی با توجه به طرح‌های در دست مذاکره‌ی انتقال گاز به پاکستان و هند (خط لوله صلح)، ارمنستان و ترکیه و اروپا.
 - ۳- سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی اکتشاف و بهره‌برداری از میدان‌های جدید نفتی (مثل

آزادگان) و حفظ موقعیت در اوپک از طریق افزایش ظرفیت‌های تولید نفت.

۴- سرمایه‌گذاری در زمینه بهره‌برداری از میدان‌های گازی.

۵- استفاده از دیپلماسی انرژی برای تأثیرگذاری بر معادلات و فرآیندهای تولید و فروش انرژی در جهان از طریق: دیپلماسی نفتی در اوپک بر محور تقویت این سازمان از طریق دیدارها و تماس‌های سیاسی عالی‌رتبه؛ ارائه‌ی طرح ایجاد اوپک گازی با حضور کشورهای عمده‌ی تولیدکننده گاز مثل روسیه، قطر، عربستان، الجزایر (دامن پاک جامی، ۱۳۸۸: ۲۲۳-۲۲۴).

به علاوه، همسویی دو کشور در زمینه‌ی رژیم حقوقی دریای خزر و نحوه‌ی استفاده از منابع انرژی این منطقه، خود به عاملی تبدیل شد که زمینه‌ی همکاری‌های بعدی این دو کشور را فراهم کرد. پس از فروپاشی شوروی، در بین کشورهای ساحلی دریای خزر، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد رژیم حقوقی خزر و نحوه‌ی استفاده از منابع آن به وجود آمد. دولت‌های آذربایجان و قزاقستان از ایده‌ی دریا بودن خزر حمایت می‌کردند تا بتوانند به منافع بیشتری دست یابند. ایران و ترکمنستان حاکمیت مشاع را مطرح می‌کردند. روسیه نیز هرچند در ابتدا با ایران و ترکمنستان همسو بود، اما بعدها به سوی یک رژیم دوگانه حرکت کرد که عبارت بود از مشاع در سطح و تقسیم در زیر دریا (کولایی، ۱۳۸۵: ۳۰۰).

به این ترتیب، منابع عمده‌ی نفت در دریای خزر به دلیل نهایی نشدن وضعیت حقوقی آن صاحب مشخصی نداشت و مورد منازعه بود. در ابتدا تصور بر این بود که تطویل این منازعه به نفع ایران است، زیرا به دلیل نامشخص بودن رژیم حقوقی دریای خزر، شرکت‌های نفتی در عقد قرارداد سرمایه‌گذاری سرگردان می‌ماندند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۴۳)؛ اما در عمل مشخص شد که چنین نیست. آذربایجان، روسیه و قزاقستان به توافقات دوجانبه‌ای دست یافته‌اند که براساس آن به تدریج در حال بهره‌برداری از منابع شمال خزر هستند (Roberts, 2003:144).

در این مورد، ایران و ترکمنستان که از ابتدا در مورد رژیم حقوقی با هم توافق داشتند، با قراردادهای دوجانبه‌ی کشورهای دیگر هم مخالفت کردند. براساس مواردی که به آنها اشاره شد، دو کشور تاکنون پروژه‌ها و طرح‌های مشترک متعددی را مورد توجه قرار داده‌اند که برخی از آنها به مرحله‌ی اجرا رسیده و برخی عملی نشده‌اند. در ادامه به بررسی این پروژه‌ها، به تفکیک در دو بخش نفت و گاز می‌پردازیم.

همکاری در زمینه‌ی نفت

در نگاهی کلی و پیش از آن که به همکاری‌هایی که تاکنون در عمل بین دو کشور انجام شده پردازیم، باید گفت که حوزه‌ی محتمل همکاری‌های نفتی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ حوزه‌ی سرمایه‌گذاری هر یک از دو کشور در دیگری و همچنین حوزه‌ی پروژه‌های مشترک انتقال و صادرات نفت. البته این تقسیم‌بندی در مورد بخش گاز نیز صادق است. ترکمنستان به دلیل ضعف اقتصادی که از ابتدای فروپاشی شوروی به آن دچار بوده، عمده‌ی توجه و تمرکز خود را بر توسعه‌ی اقتصاد داخلی قرار داده و اصولاً تاکنون توان سرمایه‌گذاری خارجی نداشته است. اما از سوی دیگر، چشم‌انداز سرمایه‌گذاری خارجی در این کشور نیز چندان مطلوب نبوده است. کلیه‌ی خطوط لوله‌ی کشور در اختیار شرکت‌های نفتی و گازی دولتی است. بنابراین سرمایه‌گذاران خارجی به دلیل دسترسی نداشتن به خطوط لوله‌ی صادراتی ناچار هستند نفت و گاز تولیدی خود را در ترکمنستان تحت شرایط بازرگانی دولتی به فروش برسانند یا آن را به پالایشگاه‌ها ارسال کنند. نفت و گاز طبیعی که با یک قیمت ثابت در ترکمنستان به فروش می‌رود به مراتب پایین‌تر از سطح قیمت بازارهای جهانی است (درخشان، ۱۳۸۴: ۳۳۹)؛ این عامل در کنار وجود قوانین دست و پاگیر، باعث شده که شرکت‌های بزرگ بین‌المللی، تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری، به ویژه در بخش نفت

این کشور نشان ندهند. در اوایل سال، ۲۰۰۲ اکسون موبیل^۱ فعالیت خود را در ترکمنستان متوقف کرد. شرکت شل^۲ نیز علاقه‌ی خود را به پروژه‌های نفتی ترکمنستان از دست داده است (Roberts, 2003:149).

با توجه به موارد اشاره شده، ایران نیز موفق به اجرای پروژه‌های چندانی در ترکمنستان نشده است. مهمترین پروژه‌ای که ایران در ترکمنستان انجام داده، واحد تولید بنزین پالایشگاه ترکمن باشی است که با سرمایه ۴۷ میلیون دلار به بهره‌برداری رسیده است (دامن پاک جامی، ۱۳۸۸: ۲۷۶).

اما بخش بزرگ همکاری نفتی دو کشور در حوزه‌ی طرح‌های مشترک برای صادرات انرژی بوده است. در این زمینه تاکنون دو طرح مهم مطرح بوده که یکی هم‌اکنون در حال اجراست و دیگری تاکنون عملی نشده است. این دو طرح عبارتند از طرح معاوضه نفت^۳ و همچنین طرح خط لوله‌ی قزاقستان- ترکمنستان- ایران.

طرح معاوضه‌ی را ایران در مورد نفت کشورهای حوزه‌ی خزر انجام می‌دهد. بر اساس این روش، ایران نیازمندی‌های مناطق شمالی کشور را از طریق انرژی کشورهای منطقه (ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان) تأمین می‌کند و حجم یا ارزش مساوی آنرا در خلیج فارس تحویل می‌دهد (Bayulgen, 2009:168).

در این طرح، نفت کشورهای همجوار از طریق نفتکش به سواحل ایران در بندر تجهیز شده‌ی نکا، منتقل و پس از عبور از خط لوله‌ی نکا-ری در پالایشگاه‌های شمال کشور (فعالاً تبریز و تهران) تصفیه می‌شود و از سوی دیگر از جنوب کشور معادل مقدار توافق شده نفت دریافتی شمال تحویل داده می‌شود. مزایای معاوضه‌ی نفت این است که کشورهای حوزه‌ی خزر می‌توانند صدور نفت خام خود به بازارهای بین‌المللی را در زمان

1 . ExxonMobil

2 . Shell

3 . Swap

نسبتاً کوتاهی آغاز کنند و از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در خطوط لوله‌ای که از کشورهای مختلف می‌گذرد، اجتناب کنند. در روش معاوضه نیازی به رضایت طرف سوم نیست و چون ایران استفاده‌کننده‌ی نهایی نفت خام خواهد بود، وابستگی متقابل بهترین ضمانت برای ادامه‌ی پروژه است. علاوه بر آن، هزینه‌های پایین‌تر برای تولیدکنندگان، حداکثر درآمد هر بشکه را تضمین می‌کند و ایران نیز می‌تواند هم در هزینه‌ی پایین‌تر انتقال نفت و هم در منافع اقتصادی مربوط به ایجاد زیربنای موردنیاز پروژه صرفه‌جویی کند (گودرزی، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

ایران در سال ۲۰۰۴ روزانه ۱۲۵ هزار بشکه نفت کشورهای روسیه، قزاقستان و ترکمنستان را از پایانه‌ی نکا معاوضه می‌کرد. این حجم در نیمه دوم سال ۱۳۸۵ به ۱۵۰ هزار بشکه در روز و در اوایل سال ۱۳۸۷ به حدود ۲۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یافت (دامن پاک جامی، ۱۳۸۸: ۳۲۱).

طرح بعدی، انتقال نفت از طریق خط لوله‌ی قزاقستان- ترکمنستان- ایران است. وزارت خارجه قزاقستان در دسامبر ۲۰۰۰ اعلام کرد که با سه شرکت عمده‌ی اروپایی (توتال فیناللف^۱، بی جی^۲ و آجیپ^۳) مذاکراتی انجام داده تا به امکان‌سنجی این خط لوله بپردازند. در ژوئن ۲۰۰۱ یک مقام بلندپایه‌ی توتال فیناللف در باکو گفت؛ که شرکت‌های نفتی غربی که در قزاقستان کار می‌کنند، مشتاق هستند یادداشت تفاهمی در رابطه با احداث خط لوله‌ی قزاقستان به ایران امضا کنند (Roberts, ۱۵۴: ۲۰۰۳).

این خط لوله در صورت تکمیل می‌توانست نفت قزاقستان و ترکمنستان را با طی مسافت ۹۳۰ مایل و ظرفیت روزانه یک میلیون بشکه از راه جزیره‌ی خارک در خلیج فارس به بازارهای جهانی منتقل کند. هزینه‌ی این خط لوله ۱/۵ میلیارد دلار و حق ترانزیت آن نیز ۳ دلار در هر بشکه برآورد شد (گودرزی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹).

1 . TotalFinaElf

2 . BG

3 . Agip

به این ترتیب، چشم‌انداز احداث این خط لوله، بسیار مساعد می‌نمود. اما مخالفت همیشگی آمریکا با پروژه‌هایی که به نحوی در ارتباط با ایران است و منجر به افزایش ارزش و جایگاه ژئوپلیتیکی ایران می‌شود، این بار نیز باعث شد که این پروژه تاکنون به تعویق بیفتد و اقدامی عملی برای ساخت آن صورت نگیرد. البته در این مورد، این تأثیر به صورت غیرمستقیم است و به خط لوله‌ی مورد حمایت آمریکا، یعنی باکو-تفلیس-جیحان باز می‌گردد. توسعه‌ی این خط لوله‌ی در سال ۲۰۰۲ نشان داد که حداقل تا زمانی که ظرفیت میدان کاشغان در قزاقستان پر است، نیاز چندانی به این خط لوله نیست. بیشتر نفت قزاقستان از طریق خط لوله کنسرسیوم نفت خزر و همچنین خط لوله‌ی باکو-تفلیس-جیحان منتقل می‌شود (Roberts, 2003:154).

به این ترتیب، همان‌طور که مشاهده می‌شود، همکاری‌های نفتی ایران و ترکمنستان هرچند وجود داشته، اما تاکنون در حد مطلوب نبوده و امکان توسعه‌ی همکاری‌ها وجود دارد. این امر، در میان بسیاری از عوامل، تا حدی به دلیل اهمیت کمتر بخش نفت ترکمنستان در مقایسه با بخش گاز آن نیز می‌باشد.

همکاری در زمینه‌ی گاز طبیعی

مهمترین عاملی که جایگاه ترکمنستان را در معادلات انرژی جهانی برجسته می‌سازد، منابع گاز این کشور است. این منابع، پیش از استقلال این کشور نیز اهمیت بسیار داشت و ترکمنستان در سیاست‌های اقتصادی اتحاد شوروی، که برای هر جمهوری، اتحاد وظیفه‌ی مشخصی تعریف کرده بود، به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان اصلی گاز دیگر جمهوری‌ها شناخته می‌شد. در دوران شوروی صادرات گاز ترکمنستان از طریق سامانه‌ای موسوم به بندناف فولادی^۱ انجام می‌گرفت؛ یعنی یک سامانه‌ی متحد خط لوله که تمام قلمرو شوروی را در می‌نوردید. گاز تولید شده در

1. Steel Umbilical Cord

ترکمنستان از طریق خط لوله‌ی مرکز آسیای مرکزی^۱، با گذر از ازبکستان و قزاقستان و روسیه، به بخش اروپایی شوروی جریان می‌یافت. سپس به خط لوله‌ی سیبری - غرب اروپا متصل می‌شد که امکان می‌داد گاز تولید شده در شوروی به دولت‌های اقماری در شرق اروپا و نهایتاً به بخش غربی قاره‌ی اروپا برسد (Anceschi, 2009:85).

پس از استقلال نیز، درآمدهای حاصل از این بخش به عنوان عمده‌ترین نقطه اتکای ترکمنستان برای توسعه‌ی اقتصادی تلقی شد. اما مسأله‌ای که بلافاصله مطرح شد و به عنوان معضلی برای این کشور مورد توجه قرار گرفت، وابستگی به روسیه برای انتقال انرژی بود. این امر عملاً در تضاد با خواست رهبران ترکمن برای حداکثر کردن درآمد صادرات گاز، و از آن طریق حداکثر کردن منافع اقتصادی قرار می‌گرفت؛ به همین جهت آنها به فکر خطوط لوله و مسیرهای جایگزین برای صادرات گاز خود افتادند. در این راستا گزینه‌های چندی مطرح شد که برخی عملی شده و برخی دیگر به طور دائم یا موقت از دستور کار خارج شدند. در این بخش ابتدا به این گزینه‌ها به صورتی اجمالی اشاره می‌شود و سپس، ضمن توضیح مفصل‌تر در مورد نقش ایران در انتقال انرژی ترکمنستان، به اقدامات دو کشور در این رابطه می‌پردازیم.

تنها خط لوله‌ای که ترکمنستان در ابتدای استقلال خود در اختیار داشت و هنوز هم اهمیت خود را حفظ کرده، خط لوله‌ی مرکز آسیای مرکزی است. این خط لوله که میراث دوران اتحاد شوروی است، گاز طبیعی را از شرق به غرب سرزمین‌های اتحاد و سپس به اروپا انتقال می‌داد. ساخت این خط لوله طی مراحل از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۴ انجام گرفت. این خط لوله که حدود ۲۰۰۰ کیلومتر طول دارد، سالانه در مجموع ۹۰ میلیارد متر مکعب گاز را از میداین مختلف به روسیه انتقال می‌داد (Olcott, 2006:222).

در بیان اهمیت این خط لوله همین بس که یک دهه پس از فروپاشی شوروی، هنوز

بیش از ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان سالانه در این خط لوله جریان می‌یافت (Ibid). طرح دیگری که برای انتقال گاز ترکمنستان مطرح شد، انتقال گاز این کشور از طریق افغانستان به پاکستان و سپس (احتمالاً) به هند بود. هرچند آمریکا به طور جدی از این طرح حمایت می‌کرد، اما روی کار آمدن طالبان در افغانستان و مشکلاتی که از جهت تأمین امنیت خط لوله مطرح می‌شد، باعث معلق ماندن این پروژه شد. تیره شدن روابط هند و پاکستان و کشف منابع گازی در پاکستان نیز در این ارتباط مزید بر علت بود (Olcott, 2006:217-221). با این وجود، پس از سال‌ها و با تغییر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی، سرانجام موافقتنامه‌ی نهایی این خط لوله در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۰ در عشق‌آباد، پایتخت ترکمنستان به امضا رسید. طول این خط لوله‌ی گاز ۱۷۳۵ کیلومتر و ظرفیت انتقال آن ۳۳ میلیارد متر مکعب خواهد بود که با هزینه‌ای بالغ بر ۸ میلیارد دلار ساخته می‌شود (RFE-RL, 15/12/2010).

طرح دیگری که مورد حمایت آمریکا بود، طرحی بود که با نام خط لوله‌ی ماورای خزر، در سال ۱۹۹۹ مطرح شد. در واقع آمریکا در صدد بود تا پس از موفقیت در احداث خط لوله‌ی باکو-تفلیس-جیحان، خط لوله‌ی گازی را نیز در منطقه و در مسیری کم و بیش مشابه احداث کند. مبنای این خط لوله نیز انتقال گاز ترکمنستان از زیر دریای خزر به آذربایجان، گرجستان، ترکیه و نهایتاً به اروپا بود (Shaymergenov, 2006:15).

اما عوامل گوناگونی باعث شد تا این طرح به سرانجام نرسد؛ از جمله مهمترین این عوامل، مشخص نبودن رژیم حقوقی دریای خزر و همچنین خطرات محتمل زیست‌محیطی بود. این عوامل باعث مخالفت شدید روسیه و ایران با این طرح شد (کتاب سبز ترکمنستان، ۱۳۸۶، ص ۵۹). البته شاید علت اصلی مخالفت این دو کشور، به خطر افتادن موقعیت و منافعشان، به واسطه‌ی حضور آمریکا در منطقه بود. آذربایجان نیز به علت اختلافات دیرپا با ترکمنستان، نظر مساعدی نسبت به این طرح نداشت، یا حداقل خواهان منافع ویژه‌ای از این طرح برای خود بود (Roberts, 2004:76).

البته به نظر می‌رسد که با پویاتر شدن اقدامات ترکمنستان در بخش انرژی و نیز بهبود روابط دو کشور، این پروژه نیز روز به روز به عملی شدن نزدیک می‌شود. به عنوان مثال ترکمنستان اخیراً استدلال کرده که برای ساخت چنین خط لوله‌ای تنها موافقت کشورهای دخیل در آن کفایت می‌کند و نیاز به جلب موافقت دیگر کشورهای ساحلی خزر نیست (ایراس، ۱۳۸۹/۱۲/۱۵).

چین نیز در اوایل هزاره‌ی جدید فعالیت‌هایش را در آسیای مرکزی شدت بخشید و با توجه به نیاز روزافزونی به انرژی، در صدد همکاری با کشورهای غنی از نظر انرژی برآمد. چین و ترکمنستان در سال ۲۰۰۶ به توافق برای احداث یک خط لوله از ترکمنستان به چین دست یافتند که از ازبکستان و قزاقستان می‌گذرد. طول این خط لوله حدود ۷۰۰۰ کیلومتر پیش‌بینی شد که ۱۸۸ کیلومتر آن در ترکمنستان، ۵۳۰ کیلومتر در ازبکستان و ۱۳۰۰ کیلومتر در قزاقستان قرار دارد و گاز میدین آمودریا را به اورومچی در غرب چین منتقل می‌کند. بیش از ۴۵۰۰ کیلومتر آن نیز داخل خاک چین قرار داشته و غرب و شرق این کشور را به هم پیوند می‌دهد (Overland & Tromso, 2009:10)؛ این خط لوله در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹ به بهره‌برداری رسید و هم‌اکنون مشغول به کار است. اما ایران از همان ابتدا در بحث‌های مربوط به انتقال انرژی ترکمنستان جایگاهی خاص داشت. پس از استقلال ترکمنستان، مسیری که توسط کارشناسان برای صادرات گاز ترکمنستان به اروپا از نظر تجاری و اقتصادی مناسب تشخیص داده شد، مسیری بود که گاز ترکمنستان را از طریق ایران و سپس ترکیه به بازارهای اروپا انتقال می‌داد. از سوی دیگر، این خط لوله با توجه به روابط حسنه بین دو کشور، برای خود ترکمنستان هم جالب‌توجه و دارای اولویت تلقی می‌شد. مذاکرات اولیه درباره‌ی این خط لوله در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ آغاز شد و هدف، ساخت یک خط لوله به طول ۱۴۰۰ کیلومتر از میان ایران بود که به بازارهای اروپا متصل می‌شد. یک دوره‌ی ۸ ساله برای ساخت آن در نظر گرفته شد. ظرفیت این خط لوله ۲۸ میلیارد متر مکعب در سال (۱۸

میلیارد مترمکعب برای ترکیه و ۱۰ میلیارد مترمکعب برای اروپا) در نظر گرفته شده بود که از ترکمنستان و ایران تأمین می‌شد (Olcott, 2006:212).

این کار در مرحله‌ی برنامه‌ریزی بود که ترکمنستان در سال ۱۹۹۶ ناگهان خود را از پروژه کنار کشید. دلیل این امر هم مخالفت مستمر آمریکا با پروژه‌های مرتبط با ایران و تلاش این کشور برای منزوی کردن ایران بود. این امر برای ترکمنستان به معنی عدم توان جذب منابع بین‌المللی برای خط لوله بود. این در حالی بود که طبق برآوردها، هزینه‌ی این خط لوله تا مرز ترکیه ۶۰۰ میلیون دلار ارزان تر از خط لوله‌ی باکو-تفلیس-ارزروم تمام می‌شد که بعداً توسط آمریکا احداث شد (Roberts, 2003:156).

اما این وقایع به معنی قطع همکاری‌های دو کشور در زمینه‌ی خطوط لوله نبود. در اکتبر ۱۹۹۵ وقتی معلوم شد که کار خط لوله‌ی اصلی کند پیش خواهد رفت، شرکت ملی گاز ایران قرارداد کریژ-کردکوی را با ترکمنستان امضاء کرد. به این ترتیب، قراردادی ۲۵ ساله بین دو کشور به امضاء رسید تا صادرات گاز ترکمنستان به ایران آغاز شود. طول این خط لوله که حوزه‌های گازی غرب ترکمنستان را به شمال ایران متصل می‌کند، ۲۰۰ کیلومتر و هزینه‌ی آن ۱۹۰ میلیون دلار برآورد شد. هنگامی که این خط لوله در سال ۱۹۹۷ به بهره‌برداری رسید، تنها با ظرفیت اندک ۴ میلیارد مترمکعب در سال کار می‌کرد. هرچند این ظرفیت پس از مدتی به ۸ میلیارد مترمکعب رسید، اما همچنان با ایده‌ی اولیه خط لوله‌ی ترکمنستان-ایران-ترکیه فاصله داشت و به همین جهت حائز اهمیت فوق‌العاده‌ای نبود (بوالوردی، ۱۳۸۵: ۹۸)؛ اما اهمیت این خط لوله از آنجا بود که در آن زمان ترکمنستان را به اولین کشوری از مجموعه‌ی سابق شوروی تبدیل می‌کرد که یک خط لوله غیرروسی تأسیس کرده بود. به عبارت دیگر این اولین چالشی بود که بعد از فروپاشی شوروی در زمینه‌ی گاز برای روسیه مطرح می‌شد. بنابراین اهمیت این خط لوله برای ترکمنستان بیش از جنبه اقتصادی آن، اهمیتی سیاسی و استراتژیک بود. برای ایران نیز به عنوان تأمین‌کننده‌ی بخشی

هرچند اندک از طرح‌ها، با در نظر داشتن مخالفت آمریکا و کارشکنی‌های گاه و بیگاه روسیه، موفقیتی محسوب می‌شد. ارتباط گازی ایران و ترکمنستان به این خط لوله محدود نماند. تلاش‌هایی که برای ارتقای همکاری‌ها از جانب هر دو کشور وجود داشت و دارد، باعث شد که مرحله‌ی نخست خط لوله‌ی دوم گاز ایران و ترکمنستان در ۶ ژانویه ۲۰۱۰ به بهره‌برداری برسد (BBC, 6/1/2010).

با افتتاح فاز دوم این خط لوله‌ی در تاریخ ۲۸ نوامبر ۲۰۱۰، خط لوله مذکور قابلیت انتقال سالانه ۱۸ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی را پیدا کرد. اتمام ساخت این خط لوله که ۱۰۲۴ کیلومتر طول دارد، موجب اتصال شبکه‌های انتقال گاز ایران و ترکمنستان به یکدیگر شد (ایراس، ۱۳۸۹/۹/۷)؛ به این ترتیب علاوه بر تأمین نیازهای گازی استان‌های شمال و شمال شرق کشور، به طور بالقوه امکان معاوضه‌ی گاز و نیز فرصت صادرات گاز به شرق آسیا و اروپا برای ایران فراهم شد. به علاوه، در همان زمان که مذاکرات مربوط به خط لوله‌ی کرپژ- کردکوی بین دو کشور جریان داشت، ایران پیشنهادی برای احداث خط لوله‌ای از ترکمنستان به ایران و سپس پاکستان و هند را مطرح کرد که از مشهد، زاهدان و بیابان‌های شرقی ایران عبور کند (Roberts, 2003:157)؛ اما این طرح به دلایل گوناگون زمینه‌ی عملی شدن نیافت. به طور کلی، با وجود تمام تلاش‌هایی که برای انتقال گاز ترکمنستان به ایران انجام گرفت، گازی که هم‌اکنون از ترکمنستان به ایران انتقال می‌یابد، عمدتاً تأمین‌کننده‌ی نیازهای داخلی ایران (در نیمه‌ی شمالی کشور) است. البته هنوز هم گزینه‌های دیگری برای ارتقای همکاری‌ها در زمینه‌ی انتقال گاز مطرح است. در حال حاضر مهمترین این گزینه‌ها عبارتند از صادرات گاز ترکمنستان به ارمنستان و جمهوری آذربایجان (نخجوان). ارمنستان و نخجوان مذاکراتی با ایران برای دریافت گاز داشته‌اند و در طول سال‌های گذشته مذاکراتی بین طرف‌های مختلف صورت گرفته و مقامات ارمنی و آذری متقاضی گاز ارزان قیمت ترکمنستان بوده‌اند. اما ایران آمادگی خود را منوط به حصول توافقات دوجانبه‌ی ترکمنستان

با دو کشور یاد شده، تعیین تکلیف وضعیت سرمایه‌گذاری برای احداث خط لوله در بخش ایران و توافق پیرامون تعرفه‌ها نموده است. به نظر می‌رسد تا زمان حصول توافق صادرات گاز بین ایران و ارمنستان و حصول توافق پیرامون احداث خط لوله، تعیین میزان و شرایط گاز و نحوه‌ی پرداخت‌ها، طرح ترانزیت گاز ترکمنستان به ارمنستان جنبه اجرایی پیدا نکند و در صورت حصول توافقات احتمالی برای صدور گاز به نخجوان، این موضوع نیز از دستور کار مقامات ترکمنستان خارج می‌شود. هرچند از ابتدا نیز به علت حجم کم مبادلات، مقامات ترکمن انگیزه‌ی چندانی برای پیگیری آن نداشتند (عیسی‌زاده، ۱۳۸۳: ۸۸).

مواردی که اشاره شد، عمده‌ترین همکاری‌هایی است که بین دو کشور در مورد انتقال گاز انجام شده است. البته ایران پروژه‌های دیگری را هم در ارتباط با بخش گاز در ترکمنستان اجرا کرده است؛ از جمله واحد پالایش گاز کرپژ با ارزش ۲۰۰ میلیون دلار، ترمینال‌های گاز مایع به ارزش ۳۳ میلیون دلار و ایستگاه تقویت فشار گاز کرپژ به ارزش ۱۰۰ میلیون یورو (دامن پاک جامی، ۱۳۸۸: ۲۷۶).

اما همان‌طور که مشاهده می‌شود این پروژه‌ها نیز در تکمیل و یا به موازات پروژه‌های انتقال گاز این کشور هستند و به صورت مستقل حائز اهمیت چندانی نیستند.

چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو

هرچند عامل انرژی ظرفیت بالقوه‌ای را برای همکاری دو کشور ایران و ترکمنستان فراهم کرده است، اما واقعیت این است که این همکاری‌ها تاکنون در حد مطلوب نبوده و یا حداقل با آنچه که در هنگام استقلال ترکمنستان انتظار می‌رفت، فاصله دارد. چالش‌هایی که در زمینه‌ی همکاری‌ها در بخش انرژی دو کشور وجود دارد را می‌توان به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرد. برخی از این چالش‌ها مستقیماً به دو کشور و ظرفیت‌ها و اقدامات آنها مربوط است و برخی دیگر ناشی از شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی است.

در زمینه‌ی روابط دوجانبه، اولین نکته، مبهم و نامطمئن بودن فضای سرمایه‌گذاری خارجی در ترکمنستان است. این موضوع از همان سال‌های ابتدایی فروپاشی شوروی، به مانعی جدی برای توسعه‌ی روابط تبدیل شد. البته در سال‌های اخیر و از زمان روی کار آمدن بردی محمداف، اقداماتی برای اصلاح این روند صورت گرفته است. با شروع ریاست جمهوری بردی محمداف، برنامه‌ی اصلاحات اقتصادی در این کشور به اجرا گذاشته شد. در این برنامه، توسعه‌ی بخش‌های مختلف اقتصادی و تولیدی، به ویژه در حوزه‌ی نفت و گاز، کشاورزی و نساجی و همچنین بخش خصوصی مورد توجه قرار گرفته و یارانه‌ها و کمک‌های دولتی کاهش یافته و یا در برخی موارد حذف شده است و قیمت‌های کالا و خدمات به تدریج واقعی‌تر می‌شوند. به علاوه، ترکمنستان در سال ۲۰۰۸ بالغ بر ۲/۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری را برای افزایش تولید و صادرات گاز خود جذب نمود و انتظار این است که این رقم افزایش نیز بیابد (علی پور ناندل، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۵).

البته اینکه ایران تا چه حد بتواند از این ظرفیت پیش آمده استفاده کند، خود موضوع دیگری است که از سویی به ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری ایران در شرایط کنونی و از سوی دیگر - و با اهمیتی بیشتر- به کیفیت فعالیت دستگاه دیپلماسی و نهادهای اقتصادی ایران در زمینه‌سازی و اجرای سرمایه‌گذاری‌ها، مرتبط است. روندی که تاکنون وجود داشته، با چشم‌انداز مطلوب فاصله‌ی زیادی دارد. در آخرین مورد، در اوایل سال ۲۰۱۰، شرکت ملی گاز ترکمنستان طراحی و ساخت تأسیسات فنی و مهندسی توسعه و بهره‌برداری از حوزه‌های گازی به ارزش ۲ میلیارد و ۱۲۸ میلیون دلار و طراحی و ساخت پالایشگاه گاز از مواد گوگردی به ظرفیت ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز و نیز احداث تأسیسات صنعتی گازی برای تهیه‌ی ۲۰ میلیارد متر مکعب گاز در سال به ارزش ۳ میلیارد و ۹۷۸ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار را به کنسرسیومی متشکل از چین، کره و امارات متحده‌ی عربی واگذار کرد (ایراس، ۱۳۸۹/۳/۲۹).

چنین فرصت‌هایی برای سرمایه‌گذاری همیشه به وجود نمی‌آید و لازم است ایران

با فعال‌تر کردن اقدامات خود در ترکمنستان از چنین فرصت‌هایی بهره‌ی لازم را ببرد. پس در بیانی کلی می‌توان گفت؛ مهمترین چالشی که در روابط دو کشور در حوزه‌ی انرژی، در ارتباط مستقیم با خود طرف‌های رابطه وجود دارد، به سیاست‌های غلط دو دولت مربوط است. با توجه به اصلاحاتی که در ترکمنستان در حال انجام است، لازم است ایران نیز درباره‌ی سیاست‌های خود در این کشور و به طور کلی در منطقه بازنمایشی کند. مهمترین مشکلات در این زمینه، عدم پیوند لازم بین عرصه‌ی اقتصاد و سیاست و شکل نگرفتن راهبردی برای برقراری این پیوند، عدم بهره‌گیری از ژئوپلیتیک ایران در حوزه‌ی انرژی و نیز عدم شناخت ایران از ساختارهای اقتصادی منطقه می‌باشد (سنایی، ۱۳۸۸: ۱۳).

بخش دوم چالش‌ها، ناشی از عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی است که از سطحی بالاتر بر روابط دو کشور تأثیرگذار هستند. در این زمینه مهمترین عامل، خصومت موجود بین ایران و آمریکا و تلاش‌های آمریکا برای ممانعت از حضور ایران در پروژه‌های انرژی منطقه است. با توجه به ظرفیت‌های ایران که مورد اشاره قرار گرفت، سرمایه‌گذاری‌های ایران در بخش انرژی منطقه می‌تواند باعث افزایش قدرت و نفوذ ایران و همچنین ارتقای توان تأثیرگذاری بر تحولات اقتصادی و سیاسی منطقه شود. عبور مسیرهای انتقال نفت و گاز از ایران نیز می‌تواند از یک سو باعث افزایش اهمیت راهبردی ایران شده و از سوی دیگر، موجب ایجاد همگرایی منطقه‌ای، اعتمادسازی، کاهش تهدیدهای امنیتی برای ایران و وابستگی متقابل شود (گودرزی، ۱۳۸۸: ۱۲۹).

مسلماً هیچ‌یک از این اتفاقات نمی‌تواند خوشایند آمریکا باشد؛ بنابراین آمریکا به عنوان ابرقدرت جهانی، با استفاده از ابزارهای گوناگون اقتصادی و سیاسی، جهت خنثی کردن اقدامات ایران تلاش می‌کند. مهمترین نمونه‌ی این تلاش را می‌توان در پروژه‌ی خط لوله‌ی ترکمنستان- ایران- ترکیه مشاهده کرد. در نمونه‌ای دیگر، عقد قرارداد انتقال ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان به ترکیه و اروپا در سال ۱۹۹۷ باعث شد ترکیه به تعهد

خود مبنی بر خرید ۱۹۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی ظرف مدت ۲۲ سال از ایران (که در سال ۱۹۹۶ امضا کرده بود) عمل نکنند و زمینه‌ی الغای آنرا فراهم کنند. این مشکل مهم برای ایران زمانی پدیدار شد که ترکیه تحت فشار آمریکا تهدید کرد که برنامه‌ی خرید گازی خود از ایران را ملغی و گاز مورد نیاز خود را از ترکمنستان تهیه خواهد کرد (نصری، ۱۳۸۰: ۱۴۵). در حال حاضر نیز هرچند مبادلات گازی بین ایران و ترکیه جریان دارد و از طریق خط لوله ی ۵۷۴ کیلومتری تبریز- ارزروم گاز ایران به ترکیه انتقال می‌یابد، اما مقامات ترک هرازگاه به طعنه می‌گویند که این گاز ترکمنستان است که ایران به این کشور صادر می‌کند (Roberts, 2003:152).

فارغ از صحت و سقم این ادعا، مهم این است که ایران حداقل به طور علنی نتوانسته پروژه‌ی انتقال گاز از ترکمنستان به ترکیه را عملی سازد. در واقع نقش و نفوذ آمریکا نه تنها در موارد گوناگون از روابط ایران و ترکمنستان در حوزه‌ی انرژی جلوگیری کرده، بلکه باعث شده ترکمنستان به صورت رقیبی برای ایران در آید. نمونه‌ی دیگر در این زمینه، نقش در نظر گرفته شده برای ترکمنستان در پروژه‌ی خط لوله گاز «نابوکو» است. از زمان شروع مذاکرات پروژه‌ی نابوکو در سال ۲۰۰۴ تا امضای معاهده‌ی آن بین کشورهای تولیدکننده، ترانزیت‌کننده و مصرف‌کننده‌ی گاز این پروژه در ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۹ و همچنین بعد از آن، همیشه این بحث مطرح بوده که پروژه‌ای با وسعت نابوکو نمی‌تواند بدون حضور و مشارکت ایران به حداکثر ظرفیت موردنظر برسد. حتی بیشتر طرف‌های اروپایی به این نکته اذعان داشته و بر آن تأکید می‌کنند. اما مخالفت همیشگی آمریکا با حضور ایران در پروژه‌های انرژی، حداقل تاکنون، مانع حضور ایران در این پروژه شده است. در این میان ترکمنستان با استفاده از فرصت، اعلام کرده که توانایی تأمین ۲۵ درصد گاز این پروژه را دارد (حیدری، ۱۳۸۸: ۴۲-۲۳).

هرچند این ادعا توسط بسیاری از کارشناسان مورد تردید قرار گرفته، اما در صورت عملی شدن، می‌تواند باعث کنار گذاشته شدن قطعی ایران از نابوکو شود. علاوه بر عامل

سیاسی و مخالفت‌های آمریکا، عامل دیگری که از سطح بین‌المللی بر روابط دو کشور تأثیرگذار است، عامل اقتصادی است. منابع انرژی آسیای مرکزی بازی بزرگی را شکل داده که در حال حاضر قدرت‌های عمده‌ی اقتصادی جهان درگیر آن هستند. علاوه بر روسیه که در منطقه دارای نقش و نفوذی سنتی است و آمریکا و اروپا که از سال‌های اولیه پس از فروپاشی در منطقه فعال هستند، چین نیز در سال‌های اخیر در آسیای مرکزی و از جمله در ترکمنستان سیاست اقتصادی فعالی را در پیش گرفته است. مهمترین نمود این سیاست را در خط لوله‌ی ترکمنستان- قزاقستان- چین مشاهده کردیم. بنابراین ایران برای داشتن نقشی فعال در منطقه و به طور خاص در ترکمنستان، باید با رقبایی بسیار قدرتمند رویارو شود. علاوه بر این، ایران به دلیل تحریم‌های شورای امنیت، حتی در صورت وجود توان اقتصادی لازم، امکان درگیر شدن جدی در بخش انرژی منطقه را ندارد. مجموع این عوامل، چالش‌هایی جدی را از بعد بین‌المللی برای همکاری ایران و ترکمنستان در بخش انرژی به وجود می‌آورد. در بخش‌های ابتدایی این مقاله، به فرصت‌های موجود و پتانسیل‌های همکاری در روابط دو کشور نیز اشاره شد. در نگاهی کلی، صرف همسایگی ایران با ترکمنستان، قابلیت انتقال انرژی ترکمنستان از طریق ایران به بازارهای جهانی و سایر مواردی که مورد اشاره قرار گرفت، برای ایران فرصت بوده و هستند. اما نکته اینجاست که اغلب این فرصت‌ها تاکنون مورد توجه قرار نگرفته و یا تلاش‌ها در جهت تأمین منافع از طریق آنها با شکست مواجه شده است. اما بر اساس دو سطحی که در بحث از چالش‌ها مورد توجه قرار گرفت، می‌توان به فرصت‌های موجود نیز اشاره کرده و به ارائه‌ی راهکار پرداخت. در سطح روابط دوجانبه، بازناندیشی سیاست‌های اقتصادی ایران در رابطه با ترکمنستان و به طور کلی آسیای مرکزی ضرورتی انکارناپذیر است. ایران می‌تواند از یک‌سو با تکیه بر ظرفیت‌های سیاسی، فرهنگی و روابط موجود، پایه محکم‌تری برای سیاست‌های اقتصادی خود فراهم کند. اهمیت این امر وقتی بیشتر آشکار می‌شود که توجه کنیم ترکمنستان، بر مبنای سخنان رئیس‌جمهور این کشور، اولویت اصلی سیاست خارجی خود را به همکاری با

همسایگان، از جمله ایران اختصاص داده است (Anceschi, 2008:42).

از سوی دیگر، ایران باید به دنبال راهکارهایی برای عقد قراردادهایی قابل اتکاتر از معاوضه نفت یا انتقال محدود گاز باشد تا طرف ترکمن را نیز به اجرای تعهدات خود پایبندتر کند. عقد قراردادهای بلندمدت با سیستم مشخص و پیش‌بینی شده‌ی تعیین قیمت در این راستا ضروری است. در غیر این صورت - مانند آنچه تاکنون وجود داشته - باید شاهد قطع مقطعی صادرات گاز ترکمنستان در فصل زمستان و یا قطع گاه و بیگاه روند معاوضه نفت باشیم. در جنبه‌ی بین‌المللی نیز به نظر می‌رسد تا زمانی که تقابل ایران و غرب به دلایل مختلف ادامه دارد، مشکلات نیز ادامه خواهد داشت. در این بخش، به نظر می‌رسد تنش‌زدایی با جامعه‌ی بین‌المللی بهترین و شاید تنها ابزار ایران برای رسیدن به منافع خود است. البته آمریکا به عنوان دشمنی دائمی، همواره در پی چیزی بیش از تنش‌زدایی معقول و بهبود روابط بوده، اما در مورد اروپا و سایر کشورها، پیگیری چنین سیاستی از سوی ایران می‌تواند تأمین‌کننده‌ی منافع کشور باشد. علاوه بر موارد فوق، سازمان همکاری اقتصادی (اگو) نیز می‌تواند به عنوان فرصتی برای توسعه‌ی روابط دو کشور در بخش انرژی تلقی شود. عهدنامه‌ی ازبیر در سال ۱۹۹۰ و طرح عمل کویته در سال ۱۹۹۳، بیان‌کننده‌ی راهبرد اگو در زمینه‌ی انرژی هستند. از بخش‌های مهم راهبرد اگو در زمینه‌ی انرژی، موارد زیر است:

۱- تسریع در بسیج و استفاده‌ی بهینه از منابع عظیم انرژی منطقه اگو.

۲- توسعه‌ی شبکه‌ی خطوط لوله.

۳- فراهم کردن امکان دسترسی به بازارهای جهانی برای کشورهای عضو که در

خشکی محصورند (کولایی و مودب، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۴).

اما سازمان اگو نیز در روند فعالیت خود، به دلایل فراوان با موفقیت لازم روبه‌رو نبوده است. البته ترکمنستان از همان زمان که به فکر مسیرهای جایگزین انتقال انرژی بود، سعی داشت تا در هر طرح، حداقل یکی از اعضای اگو را وارد کند. همچنین نیازاف همیشه بیان می‌کرد که

پروژه‌های خط لوله‌ی ترکمنستان، با برنامه‌های اکو همسو است. اما در عمل هیچ‌یک از فعالیت‌های ترکمنستان در این بخش، زیر چتر رسمی اکو نبوده است (Anceschi, 2009:89-90). به هر حال، در صورت توجه بیشتر به این نهاد منطقه‌ای و افزایش نفوذ و تأثیرگذاری آن در معادلات اقتصادی بین اعضا، این سازمان می‌تواند چارچوب مناسبی برای توسعه‌ی همکاری‌های ایران و ترکمنستان در بخش انرژی باشد. در مجموع، با وجود همکاری‌های موجود، هنوز حوزه‌های فراوانی در بخش انرژی وجود دارد که می‌تواند در راستای ارتقای روابط دو کشور مورد استفاده قرار بگیرد. گسترش همکاری‌ها منوط به رفع چالش‌ها و تلاش برای استفاده‌ی حداکثر از فرصت‌هاست.

نتیجه

استقلال ترکمنستان و جدا شدن آن از بدنه‌ی شوروی، حوزه‌ی بکر و فرصت بالقوه‌ای را برای ایران در جهت تأمین منافع اقتصادی و افزایش نفوذ سیاسی فراهم کرد. اما بیشتر این حوزه‌ها به دلایل مختلف همچنان به صورت بالقوه باقی‌مانده است. مهمترین عامل، یعنی اراده‌ی سیاسی لازم برای افزایش همکاری‌ها در بین دولتمردان هر دو کشور به طور جدی وجود داشته است. پروژه‌هایی که تاکنون انجام شده و طرح‌هایی که مطرح شده اما فرصت و امکان عملی شدن نیافته است، گواهی بر این ادعاست. پس در پاسخ به سؤال پژوهش باید گفت که عامل انرژی حوزه‌ی بالقوه‌ای را برای همکاری و نزدیکی دو کشور فراهم کرده است و هر پروژه‌ی جدیدی که در این حوزه به بهره‌برداری رسیده، با افزایش وابستگی متقابل دو کشور، این نزدیکی را افزایش نیز داده است؛ اما با توجه به چالش‌های موجود و سطح کنونی همکاری‌ها، این نزدیکی و همکاری تاکنون چنان وسعت و عمقی نیافته است که بتوان از همگرا و همسو شدن دو کشور و نفوذ همکاری‌ها از حوزه‌ی اقتصادی به سایر حوزه‌ها سخن گفت. عواملی از قبیل سیاست‌های غلط دو دولت در سطح دوجانبه و نیز

خصوصیت ایران و آمریکا و بازی بزرگ جدید شکل گرفته بر سر منابع انرژی آسیای مرکزی، از جمله چالش‌های موجود در مسیر تعمیق همکاری‌ها است. در این رابطه بازان‌دیشی ایران در سیاست اقتصادی‌اش در آسیای مرکزی، تلاش برای دستیابی به قراردادهایی قابل اتکاتر، تنش‌زدایی با جامعه‌ی بین‌المللی و تکیه بر نقش سازمان‌های همکاری منطقه‌ای (به ویژه اگو) می‌تواند در افزایش همکاری‌ها و نزدیکی دو کشور به یکدیگر مؤثر باشد. در مجموع، عامل انرژی در کنار دیگر عوامل، پتانسیل یک رابطه‌ی نزدیک و توأم با همکاری را فراهم کرده است. توجه به مجموعه‌ی این عوامل در کنار هم و داشتن دیدی کل‌نگر در سیاست خارجی، می‌تواند باعث موفقیت هرچه بیشتر سیاست خارجی ایران در گسترش رابطه با ترکمنستان و نزدیکی هرچه بیشتر دو کشور شود.

منابع

۱. ایراس، ۱۳۸۹/۳/۲۹، "گسترش همکاری میان ایران و ترکمنستان در حوزه‌ی انرژی".
www.iraneurasia.ir
۲. ایراس، ۱۳۸۹/۹/۷، "افتتاح خط لوله‌ی دوم انتقال گاز ترکمنستان- ایران".
www.iraneurasia.ir
۳. ایراس، ۱۳۸۹/۱۲/۱۵، "عزم ترکمنستان و آذربایجان برای ساخت خط لوله‌ی ترانس خزر".
www.iraneurasia.ir
۴. بوالوردی، مجید. "بررسی روابط دو جانبه‌ی ایران و ترکمنستان"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۶، ۱۳۸۵.
۵. حاجی یوسفی، امیر محمد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴.
۶. حیدری، محمد علی. "امنیت انرژی اروپا و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای"، فصلنامه

مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۶، ۱۳۸۸.

۷. دامن پاک جامی، مرتضی. دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۸.
۸. درخشان، فرهاد. "جغرافیای تولید، انتقال و مصرف انرژی"، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز: آینده‌نگری به سامانه‌های انرژی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴.
۹. سنایی، مهدی. "آسیب‌شناسی سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی"، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۳۵، ۱۳۸۸.
۱۰. علی‌پور ناندل، محمدرضا. "افق‌های روشن توسعه همکاری‌های اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان"، ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۲۳۴، ۱۳۸۸.
۱۱. عیسی‌زاده، اکبر. "نگاهی به روند صادرات گاز ترکمنستان و نقش جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۶، ۱۳۸۳.
۱۲. فیاضی، محسن. "رقابت پیرامون انرژی آسیای مرکزی و قفقاز"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۰، ۱۳۸۶.
۱۳. کتاب سبز ترکمنستان، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، (۱۳۸۶).
۱۴. کولایی، الهه. بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی: زمینه‌ها و چشم‌اندازها، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴.
۱۵. کولایی، الهه و مودب، محمد. سازمان همکاری اقتصادی (اگو) دستاوردها و چشم‌اندازها، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
۱۶. گودرزی، مهناز. "ژئوپلیتیک انرژی دریای مازندران و اهمیت ایران (۲۰۰۸-۱۹۹۱)"، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۵، ۱۳۸۸.

۱۷. نصری، قدیر. نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.

18. Anceschi, Luca. Turkmenistan's Foreign Policy: Positive Neutrality and the Consolidation of Turkmen Regime, London and New York, Routledge, 2009.
19. Anceschi, Luca. "Analyzing Turkmen Foreign Policy In the Berdymuhammedov Era", China and Eurasia Forum Quarterly, Volume 6, No.4, 2008.
20. Bayulgen, Oksan. "Caspian Energy Wealth; Social Impacts and Implications for Regional Stability" In: A. E. Wooden, & C. H. Stefes, The Politics of Transition in Central Asia and the Caucasus, London and New York, Routledge, 2009.
21. BBC. "Turkmenistan Opens New Iran Gas Pipeline", available [www. news. bbc.co.uk/2/hi/8443787.stm](http://www.news.bbc.co.uk/2/hi/8443787.stm) (10/1/2010).
22. EIA. "Iran Energy Data, Statistics and Analysis - Oil, Gas, Electricity, Coal", available [www. eia.doe.gov/ PRJ\NewCABs\V6\Iran\Full.html](http://www.eia.doe.gov/PRJ/NewCABs/V6/Iran/Full.html) (4/16/2010).
23. EIA. "Iran Energy Profile", available [www. tonto.eia.doe.gov/country/country_energy_data.cfm?fips=IR#](http://www.tonto.eia.doe.gov/country/country_energy_data.cfm?fips=IR#) (2010/5/29).
24. EIA. "Turkmenistan Energy Profile", available [www. tonto.eia.doe.gov/country/country_energy_data.cfm?fips=TX#](http://www.tonto.eia.doe.gov/country/country_energy_data.cfm?fips=TX#) (2010/5/29).
25. Helsop, Helen Boss. "The Caspian States of the Former Soviet Union; Economic Performance since 1998" in: S.N.Cummings, Oil, Transition and Security in Central Asia, London and New York, Routledge, 2003.
26. Laumlin, Murat. "Gasprom as a Transnational Corporation and Central Asia and the Caucasus", Central Asia and the Caucasus, No.6(42), 2006.

27. Overland, Indra & Oslo Tromso. "Natural Gas and Russia –Turkmenistan Relations", Russian Analytical Digest, No.56, available [www. se2.isn.ch](http://www.se2.isn.ch) (5/12/2009).
28. Olcott, Martha Brill. "International Gas Trade in Central Asia: Turkmenistan, Iran, Russia and Afghanistan", Natural Gas and Geopolitics From 1970 to 2040, New York, Cambridge university press, 2006.
29. RFE-RL. "Independent Audit Shows Turkmen Gas Field 'World-Class'", available www.rferl.org/content/Independent_Audit_Shows_Turkmen_Gas_Field_WorldClass_/1329822.html (4/12/2009).
30. RFE-RL. "TAPI Pipeline signed, Sealed – Not Yet delivered", available www.rferl.org/articleprintview/2248838.html (25/12/2010).
31. Roberts, John. "Caspian Oil and Gas; How Far We Come and Where are We Going" in: S.N.Cummings, Oil, Transition and Security in Central Asia, London and New York, Routledge, 2003.
32. Roberts, John. "Pipeline Politics" In: S. Akiner, The Caspian; Politics, Energy and Security, London and New York, Routledge, 2004.
33. Shaymergenov, Timur. "Geopolitics and Energy Diplomacy in Central Asia and the Caspian", Central Asia and the Caucasus, No.5(41), 2006.